

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسندگان: الحاج داکتر امین الدین سعیدی و داکتر صلاح الدین سعیدی

۰۳ اکتوبر ۲۰۱۳

## مکه مکرمه

۴

### نماز خواندن در حجر:

آنچه که علماء آن را صحیح می دانند، اینست که نماز فرض در داخل کعبه جایز نیست به جز نماز نوافل و سنت، و با توجه به مطالب فوق چون حجر هم در حقیقت بخشی از کعبه بود که بعدها از آن جدا شد، لذا خواندن نماز فرض در آن محوطه نیز جایز نبوده مگر نماز نوافل.

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْكَعْبَةَ، وَأَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، وَبِلَالٌ، وَعُثْمَانُ بْنُ طَلْحَةَ الْحَجَبِيُّ، فَأَعْلَقَهَا عَلَيْهِ، وَمَكَثَ فِيهَا، فَسَأَلَتْ بِلَالًا حِينَ خَرَجَ: مَا صَنَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: جَعَلَ عَمُودًا عَنْ يَسَارِهِ وَعَمُودًا عَنْ يَمِينِهِ وَثَلَاثَةَ أَعْمِدَةٍ وَّرَاءَهُ، وَكَانَ الْبَيْتُ يَوْمَئِذٍ عَلَى سِتَّةِ أَعْمِدَةٍ، ثُمَّ صَلَّى. وَفِي رِوَايَةٍ: عَمُودَيْنِ عَنْ يَمِينِهِ.» (بخاری: ۵۰۵)

از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به اتفاق اسامه بن زید، بلال و عثمان بن طلحه وارد کعبه شد و عثمان بن طلحه دروازه را بست. رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از مدت کوتاهی، بیرون آمد. عبدالله بن عمر می‌گوید: از بلال رضی الله عنه پرسیدم: پیامبر صلی الله علیه وسلم داخل کعبه چه کرد؟ گفت: ایشان طوری ایستاد که یک ستون، سمت چپ و یک ستون، سمت راست و سه ستون، پشت سرش قرار داشت. آنگاه، نماز خواند. قابل ذکر است که کعبه در آن زمان، شش ستون داشت. و در روایتی دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو ستون، سمت راست خود گذاشت.

### مقام ابراهیم :



مقام در لغت به معنای محل قیام و جای ایستاده شدن را میگویند.

و مقام ابراهیم عبارت از همان محلی است که حضرت ابراهیم علیه السلام در زمانی که کعبه را بنا می نمود بر آن ایستاد می شود و با کمک حضرت اسماعیل (ع) کعبه را بنا نهاد.

همچنان در برخی از روایات تاریخی آمده است : زمانی که حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) مشغول

بنای کعبه بودند تا جائی که دست ابراهیم نمی رسید ، سنگی را زیر پای خویش داد و به بنای کعبه ادامه ، قوت کار چنان بود که در نهایت جای پایش در سنگ باقی ماند .

### محل مقام ابراهیم :

بر اساس برخی از روایات می گویند که مقام ابراهیم تا فتح مکه به دیوار کعبه چسبیده بود و بعد از فتح مکه، پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم آن را از دیوار کعبه جدا و در فاصله حدود ۱۳ متری دیوار کعبه و در سمت حجر الاسود، قرار داد .

ساختمان اولی مقام ابراهیم بعد از فتح مکه از چوب و سنگ بود ، و چهار اطراف آن آیات قرآنی تحریر یافته بود ، چون از فضای مطاف می کاست و محلی را برای حجاج ضعیف می ساخت ، بناء در سال ۱۳۸۵ ه . ق. به تجویز دولت عربستان سعودی محلی مقام ابراهیم که از چوب و سنگ بنا یافته بود تخریب و به جای آن قبای طلایی رنگ که جای پای ابراهیم علیه وسلم به وضاحت دیده می شود، ساخته شد .

مقام ابراهیم طوریکه گفتیم سنگی مرمری به رنگ سفید مایل به زرد و سرخ است. این سنگ به شکل مکعب، با مساحت حدود ۴۰ × ۴۰ سانتی متر و یا ۳۶ × ۳۶ سانتی متر با ارتفاع بیست سانتی متر است که با پوشش ورق طلای خالص اطراف آن بسته شده و جای دو پا در وسط آن دیده می شود .



### منزلت این مقام :

طبق آیات قرآن این مقام یکی از شعائر الهی است: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» (بقره/۱۲۵)  
همچنان پروردگار با عظمت ما در ( آیه ۹۷ سوره آل عمران) می فرماید :

«فِیه آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَنَحْنُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (در آن نشانه‌هایی روشن

است (از جمله) مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است (البته بر) هر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است طبق آیات قرآن این مقام یکی از شعائر الهی است: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی» (بقره/۱۲۵)

طوری که یاد آور شدیم : مقام ابراهیم، مکانی است که ابراهیم علیه السلام در هنگام ساختن کعبه در آنجا توقف نموده است و مشروع است که در پشت آن مقام به سمت قبله بعد از هر طوافی دو رکعت نماز خوانده شود، البته در رکعت اول سوره کافرون و در رکعت دوم سوره اخلاص قرائت شود.

در حدیثی شریف در مورد دو رکعت نماز در مقام ابراهیم آمده است :

« عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ لِلْعُمْرَةِ، وَلَمْ يَطُفْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، أَيَأْتِي امْرَأَتَهُ؟ فَقَالَ: قَدِيمَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعًا، وَصَلَّى خَلْفَ الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ، وَطَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. » (بخاری: ۳۹۵)

یعنی: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما سوال کردند: اگر شخصی به قصد ادای عمره، بیت را طواف نماید ولی سعی



بین صفا و مروه را انجام ندهد، آیا می تواند با همسرش، همبستری کند؟ (یعنی می تواند از احرام عمره خارج شود)؟ جواب داد: رسول الله صلی الله علیه وسلم که به مکه تشریف آورد، نخست، بیت را طواف نمود و دو رکعت، نماز طواف، خواند. سپس بین صفا و مروه، سعی نمود. و ایشان صلی الله علیه وسلم بهترین الگو، برای شماست.

#### یادداشت :

تعداد کثیر از علماء بدین عقیده اند که ادای نماز طواف حتمی نیست که حتماً در عقب این مقام صورت گیرد ، بلکه در تمام قسمت های مسجد حرم شریف جایز است و حجاج می توانند در صورتی که ازدحام باشد ، نماز دو رکعتی طواف خویش را با فاصله دور از مکان طواف، به جا آورند . طوری که در برخی از روایات آمده است که : امیرالمؤمنین عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نماز طواف را در مکان (ذی طوی) خوانده است و همه می دانیم که (ذی طوی) از مسجدالحرام فاصله دارد چه برسد به این که در داخل مسجد الحرام باشد.

#### مُلْتَزِم :

آن قسمت از دیوار خانه، که میان حجر الأسود و در خانه کعبه واقع است را ملتزم نامند ، و مستحب است حجاج در نزد « ملتزم » رفته و دعا بخوانند:

بیهقی از ابن عباس روایت کرده است که او بین « رکن » و « باب -درکعبه » می ماند و دعا می کرد و می گفت: بین رکن و درکعبه ملتزم می باشد و هرکس آنجا ملازم شود هرچه از خداوند، تقاضا کند خداوند به وی عطا کند. از عمرو بن شعیب از پدرش و از جدش روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که روی و سینه خود را به « ملتزم » چسبانده بود. بعضی گفته اند:

«ملتزم» عبارت است از حطیم .

بخاری گوید:

حطیم عبارت است از حجره اسماعیل، و حدیث اسراء را در تأیید این مدعا ذکر کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: در حالی که در حطیم خوابیده بودیم و در بعضی روایات گفته است: در حجره خوابیده بودیم. و گفته است که حطیم به معنی محطوم مانند قتیل به معنی مقتول می باشد.

## مستحار

مستحار در کنار رکن یمانی و در قسمت مقابل در کعبه واقع شده و آن زمان که کعبه دو در داشته، در دیگر آن در این محل بوده و سپس مسدود گردیده است.

### در مکه نماز بهتر است یا طواف :

حقیقت آنست که نماز در مسجدالحرام و طواف به دور کعبه هر دوی آنها دارای فضیلت بزرگی هستند، چنان که از جابر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ». یعنی: نماز در مسجدالحرام افضلتر از یکصد هزار نماز نسبت به سایر مساجد است. احمد (۱۴۲۸۴) و ابن ماجه (۱۴۰۶) وصححه الألبانی فی إرواء الغلیل (۱۱۲۹).

### طواف کعبه :

در حدیثی از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ طَافَ بِهَذَا النَّيْتِ أَسْبُوْعًا فَأَحْصَاهُ كَانَ كَعِتْقِ رَقَبَةٍ، لَا يَصْعُقُ قَدَمًا وَلَا يَرْفَعُ أُخْرَى إِلَّا حَطَّ اللَّهُ عَنْهُ حَطْبِيْنَةً وَكَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً». ترمذی (۹۵۹) و صححه الألبانی فی صحیح الترمذی .

یعنی: هرکس هفت بار به دور این خانه (کعبه) طواف کند، این طواف برای او به مانند آنست که یک برده را (در راه خدا) آزاد کرده باشد، هیچ قدمی را بر نمی دارد و دیگری را بلند نمی کند مگر آن که خدای متعال گناهی را از او پاک می کند و برایش حسنه ای می نویسد.

### علامه عبدالعزیز بن باز رحمه الله در این مورد گفتند:

«تفضیل نماز بر طواف یا طواف بر نماز محل نظر (یعنی تفصیل) است؛ بعضی از اهل علم گفته اند که برای فرد غریب (کسی که مقیم مکه نیست) افضل آنست که طواف زیاد کند، زیرا او می تواند نماز را در هر مکانی بخواند، و نماز تنها مختص به مسجدالحرام نیست، اما طواف جز در کعبه حاصل نخواهد شد (و جایز نیست) و چون او مقیم مکه نیست و قرار است به زودی از آنجا خارج و دور شود، پس به غنیمت گرفتن طواف اولی تر است. اما برای فرد مقیم مکه نماز افضلتر است، زیرا جنس نماز از جنس طواف افضلتر است، پس اگر نماز بیشتر بخواند بهتر و افضلتر است». مجموع فتاوی الشیخ ابن باز (۳۶۷/۱۶).

و در پاسخ به سؤالی در این مورد گفتند: آیا نماز خواندن در حرم بهتر است و یا تکرار طواف کردن؟

«در تفصیل بین این دو اختلاف نظر هست، اما اولی آنست که هر دو امر را با هم جمع نمود؛ یعنی هم نماز (سنت) زیاد خوانده شود و هم طواف زیاد کرد، تا هر دو خیر را با هم به دست آورد و جمع کرد، و بعضی از علماء گفته اند: فضیلت طواف در حق غرباء (کسانی که اهل مکه نیستند) بیشتر است، زیرا آنها در سرزمینهای خود به کعبه دسترسی ندارند، پس (برای آنها) مستحب است که زیاد طواف کنند مادامی که در مکه هستند، و گروهی از علماء نماز را بر طواف برتر دانسته اند.

و افضل و اولی آنست که هم آن را و هم دیگری را زیاد انجام داد، هر چند که فرد غریب باشد (و مقیم مکه نباشد) تا آن که فضل هیچ کدام از آن دو را از دست ندهد». مجموع فتاوی و مقالات متنوعه الجزء السابع عشر.

### آب زمزم و تاریخچه آن:

در مورد تاریخچه آب زمزم به این حدیث مراجعه می‌نمائیم:

امام بخاری از ابن عباس روایت کرده است که هاجر علیها السلام وقتی که او و فرزندش اسماعیل دچار تشنگی گردیدند برکوه مروه رفت و صدائی شنید، به خویشان گفت: «خاموش، سپس به دقت گوش داد و دوباره همان صدا را شنید و گفت: به راستی صدایت را شنیدم، اگر فریادرس هستی. آنگاه فرشته‌ای را در محل فعلی زمزم دید، که با پاشنه یا بال خود، آنجا را می‌کند تا این که آب پیدا شد.

هاجر شروع کرد به کندن آن تا به صورت حوض درآید و با مشت از آن برمی‌گرفت و می‌نوشید و فوراً جای مشت او آب فوران می‌زد» .

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «رحم الله أم إسماعیل، لو ترکت زمزم - أوقال: لو لم تغترف من الماء - لکانت زمزم عینا معینا» (خدا مادر اسماعیل را بیمارزد، اگر زمزم را به حال خود می‌گذاشت و از آن با مشت بر نمی‌داشت و جلوان را نمی‌گرفت، زمزم به صورت چشمه روان در می‌آمد). او گفت: سپس هاجر از آن آب نوشید و بچه‌اش را شیر داد.

فرشته به وی گفت:

از خشک شدن و ضایع شدن آب این چشمه نترسید. بیگمان این جوان - اسماعیل - و پدرش خانه خدا - بیت‌الله الحرام - را در اینجا بنیان می‌نهند و خداوند دوستان خود را تباه نمی‌کند و آنان را ضایع نمی‌گرداند.

مؤرخین می‌نویسند که آثار چاه آب زمزم پس از مدتی از میان رفت تا آن که عبدالمطلب بار دیگر آن را حفر نمود و از آن زمان تا کنون حاجیان از این آب بهره‌مند می‌شوند.

در توسعه اخیر سالون‌های جداگانه‌ای برای زنان و مردان، در طبقه زیرزمین مطاف، در کنار چاه ساخته شده و زائران از شیردان‌های آبی که در آنجا نصب شده و نیز از ظرف‌ها و گیلان‌هایی که در نقاط مختلف مسجد الحرام از آب زمزم پر می‌شود استفاده می‌کنند.

### خصوصیت خاصی آب زمزم:

۱- اولین برجستگی خاصی که در آب زمزم قرار دارد اینست: این آب در مقدس‌ترین مکان روی زمین یعنی در نزدیکی بیت‌الله الحرام و مقام ابراهیم فواره نموده است .

۲- دومین خصوصیت آب زمزم در آن است که قلب مبارک پیغمبر صلی الله علیه و سلم به این آب شست و شو داده شده است، سینه پیغمبر صلی الله علیه و سلم چهار مرتبه شکافته شد و قلب مبارک شان به آب زمزم شسته شد چنانچه در صحیح بخاری روایت شده یک مرتبه در سنین چهار سالگی که در نزد مادر رضاعی خود حلیمه سعدیه بود و مرتبه دیگر در ده سالگی و مرتبه سوم وقتی که با نزول وحی توسط جبرئیل به پیغمبری مبعوث شد و مرتبه چهارم شب اسراء و معراج وقتی که به آسمانها عروج نمودند .

۳- سومین خصوصیت آب زمزم اینست که جانشین غذاء بوده و در گرسنگی انسان را کفایت می‌کند امام قرطبی درین مورد فرمود: خداوند ملکی را فرستاد و آن ملک آب را فواره داد که در جای خوراک می‌ایستد و در صحیح مسلم روایت شده: آنگاه که ابوذر رضی الله عنه به مکه آمد و داخل حرم شده و مدت سی روز در آنجا باقی ماند پیغمبر صلی الله علیه و سلم از او پرسید از چی وقت در اینجا هستی؟ ابوذر در جواب گفت مدت سی شبانه روز می‌شود پیغمبر صلی الله علیه و سلم پرسید کی تو را غذا می‌داد؟ او گفت غذایی من آب زمزم بود و از نوشیدن آن فربه شدم و هیچ احساس گرسنگی نمی‌کنم.

رسول معظم اسلام فرمودند این آب مبارکی است که غذای خوردنی نیز می‌باشد.

و امام ابن قیم در کتاب ارزشمندش زادالمعاد می فرماید:

« کسانی زیادی را دیدم که غذای شان آب زمزم بود و هیچ احساس گرسنگی نمی کردند و توأم با دیگر مردمان طواف نموده و مناسک حج را به توانائی کامل انجام می دادند حتی بعضی شان برایم گفتند که مدت چهل روز غذای آنها آب زمزم بوده است.

۴- خصوصیت دیگر آب زمزم در این است که در این آب شفاء بسیاری از امراض حسی و معنوی نهفته است چنانچه پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث ابن عباس فرمودند: آب زمزم شفاء بیماری می باشد.

### آیا طهارت کردن به وسیله آب زمزم جایز است؟

امام نووی رحمه الله چنین می گوید: «طهارت با آب زمزم نزد ما (شافعیه) مکروه نیست، و این رأی تمام علماء است، به جز روایتی از امام احمد (که جایز ندانسته). دلیل ما اینست چون: ممنوعیتی برای آن ثابت نشده است، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که فرمودند: « إِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ لَا يُنَجِّسُهُ شَيْءٌ ». صحیح ابی داوود (۵۹). یعنی: «آب پاک کننده است و هیچ چیز آن را نجس نمی کند».

و اما آنچه که از ابن عباس در نهی شستن به وسیله آب زمزم وارد شده، صحیح نیست (یعنی روایت منتسب به ایشان صحیح نیست)». برای معلومات مزید مراجعه شود به: (کتاب فتاوی الإمام النووی" (ص ۱۶).

### یادداشت :

بسیاری از علماء استفاده از آب زمزم را برای ازبین بردن نجاسات مکروه و حتی بعضی علماء آن را حرام دانسته اند، و امام ابو حنیفه تصریح کرده اند: غسل جنابت نباید با آب زمزم باشد. (ارشاد الساری شرح مناسک ملا علی القاری" (ص ۳۲۸).

### آداب نوشیدن آب زمزم :

تعدادی از علماء بدین عقیده اند که نوشیدن آب زمزم به مانند دیگر آبها، مستحب است که به صورت نشسته صورت گیرد، ولی در ضمن می افزایند: اگر کسی آب زمزم را ایستاده هم بنوشد ایرادی ندارد، زیرا ثابت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به صورت ایستاده هم آب نوشیدند، ولی غالباً بصورت نشسته آب نوشیدند و اینگونه نیست که آب زمزم حتما باید ایستاده باشد، چرا که دلیلی بر لزوم ایستاده خوردن آب زمزم وارد نیست، و اصلاً دلیلی بر تفاوت آداب نوشیدن آب زمزم با آب معمولی نیست.

و آنچه از حدیث حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده که می گوید: « سَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ زَمْزَمَ فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ ». بخاری (۱۶۳۷). یعنی: «از آب زمزم به رسول الله صلی الله علیه وسلم دادم و او با حالت ایستاده آن را نوشید».

علماء این حدیث را دلیل بر جواز نوشیدن آب - معمولی یا زمزم - به صورت ایستاده می دانند، نه دلیل بر وجوب ایستاده نوشیدن آب زمزم! چرا که احادیث زیادی وارد شدند که ثابت می کند پیامبر صلی الله علیه وسلم آب را به حالت نشسته نوشیدند؛ و حتی از نوشیدن به صورت ایستاده نهی کردند، چنان که از انس و ابوسعید خدری رضی الله عنهما روایت شده که: « أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَجَرَ ( فِي لَفْظ : نَهَى ) عَنِ الشُّرْبِ قَائِمًا ». مسلم (۲۰۲۴) و (۲۰۲۵). یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم از نوشیدن به حالت ایستاده نهی فرمودند.

اما علماء با جمع بین حدیث ابن عباس و احادیث دیگری که نوشیدن آب به صورت ایستاده را جایز می دانند، با احادیث نهی از نوشیدن به صورت ایستاده، گفتند:

از آنجائی که پیامبر صلی الله علیه وسلم اکثراً به صورت نشسته آب نوشیدند، لذا افضل آنست به صورت نشسته آب نوشید، ولی جایز است که به صورت ایستاده هم آب نوشید ولی کراهت دارد، و فرقی بین آب معمولی با زمزم در این این حکم وجود ندارد.

امام نووی رحمه الله درباره احادیث وارد شده درباره نوشیدن آب چنین می گوید: «بحمد الله اشکال (و تعارضی) بین این احادیث وجود ندارد، و هیچ یک از آن احادیث ضعف ندارند بلکه همه صحیح هستند، و رأی درست آنست که نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم (بر ایستاده نوشیدن) حمل بر کراهت تنزیهی می شود، و اما این که پیامبر صلی الله علیه وسلم به صورت ایستاده آب نوشیدند، این دلیل بر جواز است، پس اشکال و تعارضی (بین احادیث) نیست... (در ادامه می گوید): پیامبر صلی الله علیه وسلم برای بیان جواز چیزی گاهی برای یک یا دو بار آن را انجام می داد (تا مردم بدانند که جایز است) ولی بر حالت افضل مواظبت و مداومت داشتند، و برای همین بیشتر وضوهای ایشان سه بار سه بار بود (یعنی اعضای وضو را سه بار می شستند) و بیشتر طواف ایشان با پیاده بود، و بیشتر نوشیدن ایشان بحالت نشسته بود، و این امر واضح و روشن است و کسی که اندکی علم داشته باشد در آن تشکیک وارد نمی کند.

### تبرک با آب زمزم :

در حدیثی از ابوذر رضی الله عنه در ماجرای اسراء و معراج روایت شده است که: آن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: «... فنزل جبرئیل علیه السلام ففرج صدري، ثم غسل بها زمزم...» یعنی: جبرئیل فرود آمد و سینه مرا شکافت و با آب زمزم شست و شو داد. بخاری: ۳۴۹

محمود بن احمد بن موسی ابو محمد بدر الدین العینی حنفی در شرح این حدیث می گوید: «و این قطعاً دلالت بر فضل آب زمزم دارد؛ چرا که جبرئیل شستن سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم را مختص آب زمزم گردانیده است.» عمدة القاری ۲۷۷/۹

ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إن الحمى من فيح جهنم، فأبردوها بماء زمزم.» یعنی: برآستی که تب از (جنس) گرمای جهنم است، پس آن را با زمزم خنک گردانید. مسند امام احمد ۳۹۱/۱ قطعاً منتفع شدن از این همه منافع آب زمزم به توفیق باری تعالی میسر است و به خاطر برکتی است که الله تعالی در آن آب قرار داده است.

هرچند خصوصیات و ویژگی های مبارک دیگری برای آن ذکر کرده اند ولی صحت آنها به اثبات نرسیده اند.

### بردن آب زمزم با خود :

همه علماء برجایز بودن انتقال آب زمزم به تمامی نقاط و سرزمینهای دیگر جهت تبرک به آن، اتفاق نظر دارند. علت جواز آن هم حدیثی است از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که وی آب زمزم را با خود حمل می کرد و می گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز همین کار را می کردند. (ترمذی ۲۹۵/۳ حدیث حسن و غریب است) ابن تیمیه رحمه الله می گوید:

جایز است هرکس مقداری از آب زمزم را با خود به جائی دیگر حمل کند زیرا که سلف صالح چنین کرده اند. (رسائل الکبری ابن تیمیه ۱۴۱۳/۲).

اما تبرک به آب زمزم در شرع ثابت شده و حتی تبرک به آن در شرع مستحب است، ولی باید در نظر داشت که کسی که از آن می نوشد تا مریضی اش شفا یابد شفا را همواره از جانب الله تعالی بداند و آب زمزم را با این نیت بنوشد که خداوند آن آب را سببی برای شفایش قرار داده است. آب زمزم با فضیلت ترین آب روی کره زمین است. الله تعالی به آب زمزم خصلتی شفا دهنده بخشیده که در دیگر آبهای معمولی وجود ندارد. خداوند تبارک و تعالی چاه زمزم را به خصوصیت های مبارکی مختص گردانیده است از جمله:

#### ۱- چاه زمزم با فضیلت ترین آب روی کره زمین است.

ابن عباس می گوید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «خیر ماء علی وجه الأرض ماء الزمزم» یعنی: بهترین آب بر روی زمین آب زمزم است. طبرانی در معجم الکبیر ۹۸/۱۱ و از ابوذر رضی الله عنه در ماجرای اسراء و معراج روایت شده است که: آن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: «... فنزل جبرئیل علیه السلام ففرج صدري، ثم غسل بها زمزم...» یعنی: جبرئیل فرود آمد و سینه مرا شکافت و با آب زمزم شست و شو داد. بخاری: ۳۴۹

محمود بن احمد بن موسی ابو محمد بدر الدین العینی حنفی در شرح این حدیث می گوید: «و این قطعا دلالت بر فضل آب زمزم دارد؛ چرا که جبرئیل شستن سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم را مختص آب زمزم گردانیده است.» عمدة القاری ۲۷۷/۹

#### ۲- سیر شدن کسی که آب زمزم را بنوشد.

در جریان اسلام آوردن ابوذر رضی الله عنه، زمانی که سه روز در مکه اقامت می کند، او اندازه یک روز و نیم به جای این که هر نوع طعامی بخورد، از آب زمزم می نوشد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی می گوید: «إنها مباركة، إنها طعام طعم.» یعنی: به راستی که آب زمزم مبارک است و آن غذایی است که صرف گشته است. مسلم ۱۹۲۲/۴

ابن اثیر رحمه الله می گوید:

«یعنی انسان با نوشیدن آن سیر می گردد همچنان که با خوردن غذا سیر می شود.» النهایه لابی الاثیر ۱۲۵/۳

#### ۳- شفا یافتن به وسیله نوشیدن آن.

ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إن الحمی من فیح جهنم، فأبردوها بماء زمزم.» یعنی: برآستی که تب از (جنس) گرمای جهنم است، پس آنرا با زمزم خنک گردانید. مسند امام احمد ۳۹۱/۱

قطعا منتفع شدن از این همه منافع آب زمزم به توفیق باری تعالی میسر است و به خاطر برکتی است که الله تعالی در آن آب قرار داده است.

هر چند خصوصیات و ویژگی های مبارک دیگری برای آن ذکر کرده اند ولی صحت آنها به اثبات نرسیده اند.

علماء برجایز بودن انتقال آب زمزم به تمامی نقاط و سرزمینهای دیگر جهت تبرک به آن، اتفاق نظر دارند. علت جواز آن هم حدیثی است از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که وی آب زمزم را با خود حمل می کرد و می گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز همین کار را می کردند. (ترمذی ۲۹۵/۳ حدیث حسن و غریب است)

ابن تیمیه رحمه الله می گوید:

جایز است هر کس مقداری از آب زمزم را با خود به جایی دیگر حمل کند زیرا که سلف صالح چنین کرده اند. (رسائل الکبری ابن تیمیه ۱۴۱۳/۲).

خلاصه این که، آب زمزم دارای خصلتها و ویژگیهایی است که الله تعالی به لطف خود در آن نهاده که سایر آبهای دیگر از داشتن آن ویژگیها محرومند و این فضل الله تعالی به مخلوقاتش است که در هر کس و هر چیز بخواهد قرار می دهد: «ذَلِك فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده ۵۴)



یعنی: این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. و تبرک به آب زمزم در شرع ثابت شده و حتی تبرک به آن در شرع مستحب است، ولی باید در نظر داشت که کسی که از آن می‌نوشد تا مریضی اش شفا یابد شفا را همواره از جانب الله تعالی بداند و آب زمزم را با این نیت بنوشد که خداوند آن آب را سببی برای شفایش قرار داده است. آیا جایز است که آب زمزم با توجه به خصوصیتی که دارد برای مداوا به جائی دیگر برده شود، آیا در صورت بردن به جائی دیگر همچنان خاصیتش را حفظ می‌کند؟ بله جایز است که انسان آب زمزم را از مکه به جاهائی دیگر ببرد، و خصوصیت هائی که در مکه دارد آن جا هم در آن وجود دارد.

طوریکه در حدیث ابی هریره و عایشه آمده: (ان النبیص کان یعود بعض اهلہ یمسح بیده الیمنی و یقول: اللهم رب الناس اذهب البأس واشف انت الشافی لاشفاء الا شفاءک شفاء لا یغادر سقما) رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای یکی از اعضای خانواده‌اش که مریض بود این دعا را می‌خواند و با دست راست او را مالش می‌داد: خداوند ای پروردگار انسان‌ها رنجوری را بیرون کن و شفا فرما زیرا تو شفا دهنده‌ای و شفائی به غیر از شفای تو نیست شفای آن‌چنان که اثری از رنجوری باقی نگذارد. بخاری کتاب الطب: (۵۷۴۲) مسلم (۲۱۹۱) (۴۶).